

## برای برنامه نویسی شدن ساخته شده اید؟

همه نمی توانند برنامه نویس شوند. البته که همه می توانند کد زدن و برنامه نویسی را یاد بگیرند اما یاد گرفتن برنامه نویسی لزوماً به معنای مشغول شدن در حرفه برنامه نویسی نیست. حتی ممکن است که فردی باهوش در زمینه برنامه نویسی باشید اما باز هم لزوماً نمی توانید شغل برنامه نویسی را به عنوان یک حرفه انتخاب کنید. شاید عجیب به نظر برسد، اما حقیقت دارد.

افراد زیادی هستند که دهه ها وقت برای گرفتن مدرک در زمینه علوم کامپیوتر گذاشتند اما در آخر فهمیدند که این شغل مناسب آنها نیست. شخصی برنامه نویس موفق می شود که از فرآیند برنامه نویسی و چالش هایش لذت ببرد.

چیزهای بیشتری نسبت به داشتن مهارت کدزنی در تعیین تناسب شغلی تاثیرگذار هستند. باید یک تصویر کلی از برنامه نویسی داشته باشید. اگر کاملاً مطمئن نیستید که برای برنامه نویسی ساخته شده اید یا خیر، در این مقاله برخی از نشانه های یک برنامه نویس موفق را با هم می خوانیم:

نشانه ۱: خلاقیت تجربی ندارید.

اگرچه در برنامه نویسی منطق نیاز است، برنامه نویسی یک هنر خلاقانه است. برنامه مانند بوم سفید بزرگ نقاشی است و زبانی که با آن برنامه می نویسید و چارچوب ها و کتابخانه های مورد استفاده، قلم موی شماست. از ابزار ناچیزی که در اختیار دارید، باید بر اساس خلاقیت و تجربه یک برنامه خلق کنید.



برنامه نویسان متعصب معتقدند که تنها یک راه درست برای کد زدن وجود دارد، اما این اصلا درست نیست. به همان اندازه نادرست است که بگوییم تنها یک راه برای ساختن خانه وجود دارد، یا تنها یک راه برای نوشتن رمان وجود دارد. راه های متعددی برای برنامه نویسی وجود دارد، باید تمایل داشته باشید که آنها را تجربه نمایید.

بدون کنجکاوی، باریک بینی را در خود تقویت می کنید و همیشه به مسائل برنامه نویسی از یک زاویه نگاه خواهید کرد. از این دید، برنامه نویسی به کاری عادی تبدیل می شود و تمام مزایایی که او را در جایگاه نخست قرار می داد را از دست می دهد.

نشانه ۲: در خود انگیزه ایجاد نمی کنید.

تمام برنامه نویسان خوب نیاز دارند تا در خود انگیزه ایجاد کنند. زمانی که جزئیات فرعی برنامه نویسی را کنار بگذارید، همه چیز تکراری خواهد شد. اگر هیچ تلاشی در نوشتن کد نداشته باشید، به آدمی بی مصرف تبدیل می شوید.



این برای هر تلاش خلاقانه ای صدق می کند، و اصلا مهم نیست که دیگران چه می گویند، برنامه نویسی یعنی خلاقیت. انگیزه تان برای نوشتن کد از همین طریق ایجاد می شود. باید عاشق کد نوشتن باشید همان اندازه که منتظر محصول نهایی هستید. اگر این روند را دوست نداشته باشید، هرگز به محصول نهایی نخواهید رسید.

اگر صبح که از خواب بیدار می شوید، عطش کار بر روی پروژه تان را ندارید، پس احتمالا برنامه نویسی مناسب شما نیست.

نشانه ۳: از مسائل منطقی بدتان می آید.

علاوه بر تلاش های خلاقانه که نباید آنها را کنار بگذارید، برنامه نویسی بیشتر به فعل **fixing** نزدیک است تا **creating**.



فرآیند تعمیر، که بیشتر با نام **debugging** شناخته می شود، قلب برنامه نویسی است. آیا تا به حال با پازل و معما بهت زده شده اید؟ آیا علاقه ای درونی به تعمیر وسایل شکسته داشته اید؟ یا تا به حال کنجکاو آن شده اید که بدانید درون هر چیزی چگونه کار می کند؟ ممکن است پاسخ تان به همه موارد مثبت باشد.

اکثر پاداش ها در زمینه برنامه نویسی برای تعمیر خطاهاست. هرچه خطا پیچیده تر باشد، پاداش بیشتری برای حل آن خواهید گرفت. اگر نتوانستید هیچ رضایتی را در این راه جلب کنید، پس برنامه نویسی برای تان چیزی بیشتر از ناکامی و استیصال نخواهد بود.

نشانه ۴: نمی توانید زمان زیادی بنشینید.

ماهیت برنامه نویسی با نشستن طولانی مدت پشت کامپیوتر عجین شده است. می توانید به جای نشستن روی صندلی از میزهای مرتفع استفاده کنید و بایستید اما در اصل موضوع تفاوتی ایجاد نمی کند: باید زمان زیادی پشت سیستم باشید.



نگرانی های زیادی برای این نوع گذران زمان و این سبک زندگی وجود دارد که اگر بدان ها بی توجهی شود منجر به مشکلات جدی در زمینه سلامتی خواهد شد. ممکن است دچار بیماری های روحی شوید مثل: حواس پرتی، انزوا و کاهش بهره وری.

نهایتا سوالی که مطرح می شود این است: آیا از اینکه ساعات زیادی پشت سیستم باشید راحت هستید؟ در حقیقت، راحتی فقط مهم نیست؛ باید پشت سیستم بودن را به باقی موارد ترجیح دهید. اگر نتوانید، پس خوشحالی و بهره وری تان با هم به مشکلات جدی می خورند.

نشانه ۵: ساعت کاری نرمال می خواهید.

برنامه نویسی ۲ حالت دارد: ۱- برای شخصی دیگر کار می کنید، ۲- برای خودتان کار می کنید. در هر دو صورت با این جمله ها باید آشنا باشید: شب بیداری، دیر خوابیدن، کدهای طولانی و زمان بر و به طور کلی سطح پایینی از کیفیت زندگی.

برنامه نویسی صنعتی مبتنی بر موعد تحویل محصول نهایی است و زمان تعیین شده برای تحویل با ساعات کاری متعارف ۹ تا ۵ - فرق دارد. هرچه بیشتر به زمان تحویل نزدیک می شویم، تیم برنامه نویسی به مرحله **crunch time** وارد می شوند، یعنی شب زنده داری می کنند. حتی اگر برای خودتان کار کنید نیز مجبورید اکثر ساعات روز را کار کنید تا از رقابتان عقب نیفتید.



مسائل برنامه نویسی در ذهنتان باقی می ماند و هر جا که بروید ذهن تان درگیر آن می شود. در همه حال به راه حل آن فکر می کنید، حتی زمانی که حمام می روید، زمانی که در رفت و آمدید و حتی زمانی که در تخت خواب استراحت می کنید. از آنجایی که اکثر اتفاقات برنامه نویسی در ذهن شما می افتد، بخش بندی آنها سخت خواهد شد اگر غیر ممکن نشود!

اگر خیلی خوش شانس باشید، ممکن است بتوانید شرکتی پیدا کنید که ساعت کاری ثابت داشته باشد، اما خیلی روی آن حساب نکنید.

نشانه ۶: انتظار دارید که سریع پولدار شوید.

زمان باید بگذرد تا یک برنامه نویس پولدار شود. امروزه، هر برنامه نویسی که بدون گذراندن زمانی طولانی پولدار شده است، استثنا محسوب می شود. اگر انگیزه اصلی تان از ورود به دنیای برنامه نویسی، سریعاً پولدار شدن است، مطمئناً نا امید خواهید شد.



به هر حال شنیدن داستان های موفقیت یک شبه، همه ما را به این انتظار غلط و اعتماد به نفس کاذب سوق می دهد. خیلی از افرادی که به سراغ توسعه بازی ها رفتند، به این امید که پله های موفقیت را به سرعت طی کنند، در آخر مجبور به ترک این صنعت شدند.

آیا می توان از برنامه نویسی پول زیادی در آورد؟ البته، اما اصلاً کار آسانی نیست. اگر به دنبال پول درآوردن سریع هستید می توانید در لاتاری شرکت کنید.

نظرات نهایی

شاید به این نتیجه رسیده اید که به درد برنامه نویس شدن نمی خورید اما هنوز مهارت های مرتبط با برنامه نویسی که سال ها برای کسب آنها زمان سپری کرده اید را دوست دارید و می خواهید از آنها استفاده کنید. گزینه های پیش روی شما چیست؟ نوشتن: تجربه فنی که از برنامه نویسی کسب کرده اید می تواند شما را به یک نویسنده فنی تبدیل کند که می تواند به مستندسازی و تولید دستورالعمل های فنی کمک کند. همچنین می توانید به یک خبرنگار حوزه فناوری تبدیل شوید یا در زمینه آموزش مفید باشید.



تجزیه تحلیل کردن: بسته به زمینه ای که در آن مهارت دارید، می توانید دانش تان را در زمینه مشاوره برای سیستم های امنیتی، پلتفرم های وب، موتورهای بازی، مدل های تجاری بکار ببرید. تست های تضمین کیفیت زمینه ای دیگر برای استفاده از مهارت تجزیه و تحلیلی است که در برنامه نویسی یاد گرفته اید.

مدیریت: اگر دغدغه های شما بیشتر در زمینه کسب و کار است اما می خواهید به دنیای برنامه نویسی نیز متصل بمانید، چرا مدیریت تیم نرم افزاری را بر عهده نگیرید؟ مدیرانی که از ریزه کاری کدها سر در می آورند بسیار اندک اند.

با این اوصاف اگر باز هم فکر کردید که هیچ جوری برنامه نویس نخواهید شد، نگران نباشید، زمانی که برای کسب آن مهارت ها صرف کردید اصلا هدر نرفته است، آن مهارت ها قابل انتقال و استفاده اند.